



سالروز ولادت حضرت امام حسین علیه السلام مبارک باد

سالروز ولادت حضرت سید الشهداء ابی عبدالله (علیه السلام) و همچنین ولادت پرچمدار کربلا حضرت ابوالفضل العباس را به همه دوستداران خاندان گرامی پیامبر (صلی الله علیه وآله) تبریک و تهنیت عرض می کنیم.

به گزارش آران نیوز: ماه شعبان از جمله ماه هایی است که از چند سو مورد عنایت و اهتمام واقع شده است از يك سو این ماه به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) منسوب دانسته شده و عبادت، نماز و روزه در آن بسیار مورد تأکید واقع شده است چنانچه در صلوات ماه شعبان در توصیف این ماه آمده است:

«این ماه ماه پیامبر تو و سرور رسولان تو است ماه شعبانی که آن را با رحمت و رضوان خود پوشانده و همراه کرده ماهی که شیوه رسول خدا آن بود که در آن روزه بدارد و شب های آن را به شب زنده داری مشغول باشد به خاطر تواضع در برابر تو در اکرام این ماه عزیز و بزرگداشت آن و این عادت پیامبر اکرم تا هنگام مرگش بود».

از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است که در فضیلت این ماه فرمود: خداوند آن را شعبان نامید زیرا نیکی ها در آن شاخه شاخه می شود درهای بهشت در آن گشوده و نعمت های بهشتی با ارزان ترین قیمت و آسان ترین راه به شما عرضه می گردد آنگاه فرمود: شاخه های نیکی در این ماه نماز، روزه، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، نیکی به پدر و مادر، خویشان و همسایگان، ایجاد صلح و صفا بین مردم و احسان به فقرا و مساکین است.

و از سوی دیگر این ماه به ولادت چند تن از ائمه راستین شیعه قرین بوده و این خود موجب شده است که این ماه در نزد شیعه به خجستگی و فرخندگی معروف باشد چه آنکه امام سوم شیعیان امام حسین (علیه السلام)، امام چهارم مؤمنان حضرت امام سجاد (علیه السلام) و همین طور منجی عالم بشریت دوازدهمین امام بر حق نیز در این ماه چشم به عالم خاک گشوده اند و عالم خاک را به نور وجودشان منور مزین نموده اند مضافاً بر این که قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل، برادر وفادار امام حسین و علمدار روز عاشورا نیز در این ماه قدم به عالم خاک نهاده است. آغازین روزهای این ماه که به ترتیب شاهد تولد امام حسین، حضرت ابوالفضل و امام سجاد (علیهم السلام) می باشد یاد کربلا و حوادث خونبار و عبرت انگیز آن را بر هر شیعه ای تداعی می کند چه آن که این عزیزان هر سه در کربلا بودند و از حماسه سازان این واقعه محسوب می شوند. امام حسین به عنوان رهبر و سالار این کاروان عشق، حضرت عباس به عنوان علمدار، مدافع و جانباز سرزمین کربلا و حضرت زین العابدین نیز در تحت عنوان احیا کننده پیام کربلا و پیام رسان هدف این قیام به گوش غافلان آن زمان و تمام آزادگان جهان تا عصر حاضر بلکه تمامی انسان های جهان تا ابد.

و از آنجا که این سال به نام مبارک امام حسین (علیه السلام) توسط مقام معظم رهبری مزین شده است و این ماه خود شاهد زاد روز حماسه سازان کربلا و نقش آفرینان واقعه عاشورا است لذا باید مورد عنایت قرار گرفته و بزرگ داشته شود. به همین جهت با توجه به این که این ماه از زمان های سرور و شادی شیعیان شمرده می شود لذا به دور از مسائل حزن و سوگواری هایی که نام این بزرگواران با آن آمیخته شده است در صفحاتی چند درصدد نمایاندن گوشه هایی از زندگانی، کرامات، معجزات و بسیاری از مسائل درس آموز زندگی این ذوات مقدسه هستیم تا ضمن تبرک و تقرب با نام و یاد آنها از کلاس انسان سازی زندگی این بزرگان بهره ای ببریم.

امام حسین (علیه السلام)

این امام همام در سوم شعبان سال چهارم هجرت در شهر مدینه به دنیا آمد. پدر بزرگوار ایشان امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و مادر ایشان حضرت فاطمه (علیها السلام) سید زنان اهل عالم است. پس از آن که عالم وجود به وجود ذی وجود ایشان منور شد پیامبر اکرم به علی (علیه السلام) فرمود: چه نامی بر این فرزندم نهادی. ایشان عرض کرد ما در نام گذاری این فرزند بر شما پیشی نمی گیریم. پیامبر فرمود: من نیز در این نام گذاری بر خداوند سبقت نمی گیرم. پس از مدتی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و عرضه داشت یا رسول الله خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید نسبت علی به تو بمانند نسبت هارون به موسی است پس فرزندت را به نام فرزند هارون بنام. پیامبر فرمود نام فرزند هارون چه بود جبرئیل عرض کرد «شبیر» پیامبر فرمود: زبان ما عربی است او را به عربی چه بنامم و جبرئیل گفت او را حسین بنام.

رسول خدا علاقه بسیاری نسبت به ایشان و برادر عزیزشان امام حسن (علیه السلام) داشت به طوری که محبت خویش را به صورت علنی نسبت به آنان ابراز می نمود بدین صورت که گاه از منبر به زیر آمده آنان را بوسیده و مجدداً از منبر بالا می رفت و گاه آن دو را به دوش می گرفت و با آنها به بازی می پرداخت و گاه بدین صورت می شد که حضرت در بین اصحاب نشسته بود و حسین (علیه السلام) وارد می شد آنگاه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) کلام خود را قطع می نمود برمی خاست و از او استقبال می کرد. وی را به دوش گرفته و در دامان خود می نشاند و می فرمود: انه مهجة قلبی

در حکایت دیگری از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که ایشان روزی حسین (علیه السلام) را در کوچه دید که با اطفال بازی می کند حضرت به سوی او رفت و دست خود را به طرف او دراز کرد ولی حسین (علیه السلام) از سویی به سویی دیگر می گریخت تا این که پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را گرفت آنگاه يك دست زیر چانه و دست دیگری را بر سر حسین (علیه السلام) گذاشت پس لب های او را بوسید و فرمود: من از حسین هستم و حسین از من است از ویژگی های دیگر امام حسین (علیه السلام) که پیامبر به آنها اشاره نموده است این است که:

حسین روح من و ثمره، سکون و طمأنیه قلب من است هرگاه به حسین نگاه می کنم گرسنگی من تمام می شود و حسین ریحانه من و نور دو چشم من است.

وگاه این طور می شد که حسین (علیه السلام) در سجده بر شانه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بالا می رفت آن حضرت سجده خویش را طولانی می کرد تا این که حسین به اختیار پایین بیاید اصحاب از طولانی شدن سجده سؤال می کردند که آیا وحی شده است و حضرت می فرمود: نه لیکن فرزندم (حسین) بر پشت من سوار شده بود.

و حکایت دیگر در فضل امام حسین (علیه السلام) این که روزی پیامبر طفلی را در کوچه دید نشست و با او به مهربانی و لطف پرداخت شخصی علت ملاحظت را سؤال نمود ایشان فرمود: این طفل حسین مرا دوست دارد زیرا من دیدم که خاک قدم او را می گرفت و به صورت خود می مالید.

روایات بسیاری از پیامبر در فضیلت این دو برادر وارد شده است که برخی از آن روایات به حد تواتر رسیده است نظیر روایاتی از قبیل:

الحسن والحسین سید اشباب اهل الجنه، امام حسن و امام حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند کسی که مرا دوست دارد این دو را نیز دوست بدارد.

کسی که امام حسن و امام حسین را دوست بدارد همانا مرا دوست دارد و کسی که آن دو را دشمن داشته باشد مرا دشمن داشته است

امام حسین در حدود هفت سال داشت که جدش پیامبر در بیست و هشت صفر سال یازده هجری از دنیا رفت، وی در سنین کودکی شاهد آن بود که یاران دیروز جدش حق مسلم پدرش را غصب نموده و از گرد وی پراکنده شده و وی را خانه نشین نمودند. وی در همان کودکی به همراه مادر و برادرش در طلب حق پدر می کوشید و شبانه به در خانه انصار می رفت و از آنان کمک طلب می کرد.

در همان ایام در میان حزن رحلت جدش پیامبر و خانه نشینی پدر، مادر عزیزش که رنج بسیاری را تحمل کرده بود از دست داد. روزی در ایام خلافت خلیفه ثانی در مسجد رو به او کرد و گفت: «إنزل عن منبر أبي» از منبر پدرم پایین بیا و به روی منبر پدر خودت برو. عمر وی را گرفته و به خانه برد و سعی کرد بفهمد آیا پدرش وی را مأمور به این کار نموده است یا وی از جانب خودش این حرف را زده است که حضرت پاسخ داد این سخن را خودم می گویم و کسی به من نیاموخته است پدرش علی (علیه السلام) نیز در مقام فرمود این کلام را خود گفته و من به وی نیاموخته ام.

حضرت بعد از رحلت پیامبر پیوسته به همراه پدر بزرگوارش بود چنانچه در جنگ های جمل، صفین و نهروان حضور داشت و در کنار پدر به جنگ با پیمان شکنان و ظالمان پرداخت از آن حضرت خطبه ای در جنگ صفین نقل شده است که در ضمن آن مردم را به جنگ ترغیب می کردند. امام در همان مراحل مقدماتی صفین در گرفتن چشمه آب از دست شامیان نقش عمده داشت که امام علی (علیه السلام) پس از آن فرمود: این اولین پیروزی به برکت حسین (علیه السلام) است.

و در ماجرای دیگر وقتی عبیدالله بن عمر در صفین به امام گفت پدر تو قریش را چنین و چنان کرد امام وی را متهم به پیروی از قاسطین کرده و فرمودند اینان به زور اسلام را قبول کردند اما در اصل مسلمان نشده اند.

ایشان سی و هفت ساله بود که پدر بزرگوارشان در بیست و یکم رمضان سال 41 قمری به شهادت رسیده و اهل بیت را به غمی جانگاز مبتلا نمودند.

امام حسین پس از شهادت پدر در کنار برادرش امام حسن (علیه السلام) بود و از سیاست های وی دفاع می نمود، حتی پس از آن که او با معاویه بیعت کرد شیعیان کوفه همان روز صلح نزد او رفته و خواهان نقض صلح و قیام علیه معاویه شدند ولی ایشان نپذیرفت و بر ادامه صلح برادر تأکید نمود پس از خروج معاویه از کوفه هم مجدد به نزد ایشان رفته و خواستار قیام شدند که آن حضرت باز هم نپذیرفت.

اهل بیت پس از قضیه صلح از کوفه به مدینه برگشتند و پس از حدود 10 سال بعد از شهادت امام حسن (علیه السلام) ایشان به امامت رسیده و در سن چهل و هفت سالگی نگرهبانی از دین خدا و حفاظت از شیعیان به آن حضرت سپرده شد.

حضرت پس از شهادت امام حسن نیز در برابر درخواست های مکرر مردم عراق برای آمدن آن حضرت به کوفه مقاومت کرده و فرمودند تا معاویه زنده است نباید دست به اقدامی زد و این بدان معناست که امام در فاصله ده سال به اجبار حکومت معاویه را تحمل کرده بودند. تسلیم ناپذیری امام از لحاظ سیاسی در برابر مشروعیت مطلق معاویه علی رغم این که دست به قیام زدن را نیز به صلاح نمی دانستند از سخنان امام در 10 سال حکومت آخر معاویه پیداست چنانکه از نامه امام به معاویه نیز چنین برمی آید:

ایشان در این نامه خطاب به معاویه ضمن این که می فرمایند من قصد جنگ و مخالفت با تو را ندارم تأکید می نماید به خدا سوگند جنگ با تو را ترك کردم در حالی که در این مورد از خداوند خوفناک هستم... من برای دین خود چیزی را بالاتر از جهاد با

تو نمی دانم که اگر آن را انجام دهم به پروردگار نزدیک شده ام. و من فتنه ای سهمگین تر از حکومت تو برای امت سراغ ندارم. و بعدها وقتی که معاویه رو در رو با امام حسین(علیه السلام) قرار گرفت و گفت ما حجر بن عدی و اصحاب او و شیعیان پدرت را کشتیم کفن کردیم نماز بر آنها خواندیم و دفن کردیم امام فرمود: اگر ما یاران تو را بکشیم نه آنها را کفن می کنیم و نه بر آنها نماز می خوانیم و نه دفن می کنیم.

شخصیت امام حسین(علیه السلام)

امام حسین همچون سایر ائمه دارای شخصیت، ممتاز و عالی بودند. گرچه ذکر تمامی اوصاف حضرت در این مقال نمی گنجد اما ما به فراخور حال و رعایت اختصار قطره ای از دریای بی کران و عمیق شخصیت آن حضرت را به قلم می آوریم و از این روز به چند صفت از او صاف کمالیه وی اشاره می کنیم.

حلم و بردباری

علی رغم قرار داشتن امام حسین در بحرانی ترین شرایط حلم و بردباری اجازه عرض اندام به لغزش و فرو افتادن ایشان در گودال غضب نداد چنانچه سیراب کردن لشکر حر و حتی اسبان آنها در گرمای شدید نمونه ای از نمایش حسن خلق، حلم و کرامت آن حضرت در برابر عوامل خشم و کینه است.

عصام بن مطلق از پرورش یافتگان مکتب معاویه در مواجهه با امام حسین(علیه السلام) می گوید: وقتی او را دیدم سیمای او مرا به شگفتی وا داشت ولی نتوانستم بغض و عداوت خویش را نسبت به پدرش بروز ندهم و چنین گفتم: تو پسر بوترابی.

حضرت فرمود: ای مرد، کار را بر خود آسان ساز و سخت گیر مباش، برای تو خود از خدا طلب آموزش می کنم اگر یاری بخواهی یاریت می کنم اگر کمک مالی بخواهی به تو می دهم چنانچه اگر هدایت بخواهی تو را ارشاد می کنم. عصام گوید حسین(علیه السلام) از چهره ام شرمندگیم را دریافت ضمن خواندن آیه ای از قرآن در باب بخشش گفت ای مرد آیا از اهل شام هستی گفتم آری امام فرمود ای مرد بدون ترس و مضایقه خواسته ها و گرفتاری هایت را با ما درمیان بگذار که مرا در بالاترین درجه کمال و امید خواهی یافت.

عصام به قدری از برخورد و حسن اخلاق امام مجذوب و دچار حیرت شده بود که می گوید:

زمین پهناور چنان در نظرم تنگ شد که دوست داشتم دهان باز کند و مرا ببلعد با شرمندگی از امام دور شدم در حالی که کسی نزد من محبوب تر از او و پدرش نبود.

علم امام

عبدالله بن عمر در خصوص علم و دانش حضرت چنین اعتراف می کند: همچنان که مرغ جوجه خود را با منقار غذا می دهد حسین(علیه السلام) نیز در بیت نبوت و ولایت از سر انگشت علوم رسول الله(صلی الله علیه وآله) غذا می خورد.

فروتنی و تواضع

امام حسین(علیه السلام) روزی بر گروهی از فقرا که در حال غذا خوردن بودند گذشت و به ایشان سلام کرد آنان جواب دادند و ایشان را به شرکت در سفره و خوردن غذا خواندند امام(علیه السلام) کنار سفره آنان نشست و از غذای آنان میل فرمود آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ» سپس همه آنها را به خانه خود دعوت کرد و غذایی برای آنها فراهم و به هر يك لباسی عطا فرمود.

وقتی سپاهیان سنگ دل بدن مطهر امام حسین را به خاک افکندند بر شانه مبارکش زخمی دیدند علت آن را از امام سجاد(علیه السلام) جویا شدند فرمود: اثر آن انبان ها که در مدینه بر دوش می گرفت و به خانه های فقرا، ایتام و بیوه زن ها می برد.

رقت قلب و مهربانی امام حسین(علیه السلام)

آن حضرت مثل سایر اهل بیت از قلبی مهربان و پرعاطفه برخوردار بودند که در این باب حکایت حضرت با اسامه بن زید خالی از لطف نیست. اسامه که آخرین فرمانده سپاه اسلام در زمان رسول الله بود و در زمان حکومت امیر المؤمنین(علیه السلام) که از بیعت با آن حضرت سر باز زده بود و با آن حضرت بیعت نکرد تا سال 58 هجری قمری زنده بود وی در آخر عمر شدیداً مقروض شد و پرداخت آن برایش ممکن نبود. امام حسین(علیه السلام) که از بیماری وی آگاه شده بود به عیادت وی رفت و او را غمگین یافت. فرمود: برادر چرا ناراحتی؟ اسامه گفت بدهی و قرض زیاد است و بالغ بر شصت هزار درهم می شود. حضرت فرمود: بدهی تو بر عهده من و من آن را خواهم پرداخت. اسامه گفت: می ترسم قبل از ادای دینم بمیرم و امام فرمود: تو هنوز زنده خواهی بود که من قرض های تو را خواهم پرداخت و سپس دستور داد همه بدهی های او را پرداختند و این در حالی بود که اسامه با پدر بزرگوار امام حسین(علیه السلام) یعنی امیر المؤمنین(علیه السلام) به مخالفت برخاسته بود و از بیعت با آن حضرت سر باز زده بود.